در ابتدا باید به این نکته بپردازیم که بر کسی پوشیده نیست که امام خمینی(ره) روح خدا بود در کالبد این ملت ستم دیده و رنج کشیده و خسته از استبداد شاهان و خوانین زور و جور و نیز بیگانگان غاصب که جان و مال و هست و نیست مردم را غارت کرده و به یغما می بردند و پادشاهان قاجار و پهلوی فقط و فقط به فکر عیش و نوش خودشان و منافع مالی خود و خاندان فاسد خود بودند و درباریان و خوانین نیز هریک درحد توان به غارت این مردم ستمدیده می پرداختند. و لذا خداوند بزرگ و مهربان یکی از اولیای خود را برگزید تا روح الله به عنوان بنیان گذار و معمار این انقلاب و نظام مقدس ،پرچم اجداد معصوم و طاهر خود را برافراشته و دودمان سلسله ۲۵۰۰ ساله ستم شاهی را برچیده و حکومت حقه علوی پس از سالها محقق شود و کام مردم به برکت اسلام ناب محمدی ، شیرین شود. این شخصیت بزرگ و فرزانه دارای ابعاد گوناگونی بوده است که به ذکر برخی از آن ابعاد به اجمال می پردازیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مشخصات فردی امام رحمه‌الله‌علیه

سید روح‌الله موسوی خمینی فرزند آیت‌الله سید مصطفی مصطفوی

تاریخ تولد: ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰

محل تولد: خمین از توابع استان مرکزی چشم به جهان گشودند

موسس و اولین رهبر انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی(ره) در سن ۲۷ سالگی ازدواج کردند.

همسر ایشان، دختر حاج میرزا محمد ثقفی از روحانیون تهران بود. اسامی فرزندان امام به این صورت است: مصطفی، صدیقه (خانم اشراقی)، فریده (خانم اعرابی)، زهرا (خانم بروجردی)، احمد

بُعد علمی

محمد ضرغام زاد

تحصیل در خمین: امام خمینی (ره) در همان کودکی درس را آغاز کردند و پس‌ازآن به مکتب رفتند. بعد از اتمام مکتب به مدرسه‌های جدید رفتند و با پایان آن، تحصیل علوم اسلامی را در محضر دایی و برادرشان آغاز کردند.

تحصیل در اراک: سال ۱۳۳۹ ه.ق امام خمینی برای تکمیل تحصیلات خود به‌واسطه حضور آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به اراک رفتند. در این دوره در محضر اساتیدی چون شیخ محمدعلی بروجردی و... تلمّذ کردند.

تحصیل در قم: همزمان با عزیمت آیت‌الله حائری به قم، امام نیز به قم رفتند و در ۲۵ سالگی سطوح عالیه حوزه را به پایان رسانیدند. پس از آن با شرکت در درس آیت‌الله حائری به درجه اجتهاد نائل آمدند. از میان همه اساتید امام آن‌که بیش از همه روح ایشان را اشباع می‌کرد، درس عرفان نظری مرحوم محمدعلی شاه‌آبادی بود. شش سال، گاهی هرروز و گاهی هرچند هفته یک‌بار، نزد مرحوم محمدعلی شاه‌آبادی می‌رفتند تا کنار فقه و فلسفه، عرفان را نیز بیاموزند.

تدریس: امام تدریس کتب فلسفی را درحالی‌که بیش از ۲۷ سال نداشتند، آغاز کردند و در کنار درس فلسفه به تدریس اخلاق همت گماردند. عمّال رضاشاه برای تعطیلی این درس فشار می‌آوردند که با مقاومت امام به نتیجه نرسیدند اما ناچار شدند برنامه درس اخلاق را از مدرسه فیضیه به مدرسه حاج ملاصادق در منطقه دوردست شهر منتقل کردند. در کنار این‌ها به تدریس دروس فقه و اصول می‌پرداختند. تدریس علوم منقول و خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۲۵ ه.ش. همزمان با ورود آیت‌الله بروجردی به قم آغاز کردند. در تبعید در شهر نجف هم با اصرار طلبه‌ها درس را آغاز و بهمن‌ماه ۱۳۴۸ درس ولایت‌فقیه را در ۱۳ جلسه ارائه کردند.

آثار: سیر تألیفی امام از مسائل عقلی آغاز گردیده و درزمینه اخلاقیات، فقه و اصول ادامه یافته است. در حدود ۲۷ سالگی کتاب "مصباح‌الهدایه" را به رشته تحریر درآوردندکه بعضی از علمای بزرگ معاصر بر آن حاشیه زده‌اند. در ۲۹ سالگی شرحی بر دعای ماه رمضان و بعد آن کتاب اربعین حدیث را نگاشتند. علاوه بر آن ۲۱ عنوان کتاب دیگر نگارش کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اسرارالصلوه کشف اسرار، شرح حدیث جنود عقل و جهل، آداب‌الصلوه، تحریرالوسیله، توضیح‌المسائل، حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر.

محمد ضرغام زاد/طلبه پایه ششم

بُعد سیاسی و اجتماعی

سیدمحمد حسینی پور

دوران جوانی: در ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۳ و در اوضاع آشفته و فضای آزادی نسبی پس از رضا پهلوی، امام در پیامی به ملت، از قیام برای خدا صحبت کرده‌اند و آن را تنها راه اصلاح دوجهان نامیده‌اند. در همین سال در پاسخ به شبهات کتاب اسرار هزارساله، به رضاخان هم تاختند و در آن ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساختند.در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی ، امام از طرف ایشان عضو هیات مصلحین بودند که مأموریت اصلاح حوزه را داشتند و باعث تحولاتی در حوزه شدند. در مسائل گوناگون مورد مشورت آیت‌الله بودند، مخصوصاً مسائل مربوط به حکومت. یک‌بار در سال ۱۳۲۹ از طرف آیت‌الله بروجردی برای جلوگیری از اعدام عده‌ای به دیدارشاه رفتند.در مهرماه سال ۱۳۴۱ لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مورد تصویب دولت قرار گرفت که طبق آن سه شرط مسلمان بودن، سوگند به کلام‌الله مجید و مرد بودن رأی‌دهندگان و انتخاب شوندگان حذف‌شده بود تا زمینه حضور بهایی‌ها فراهم شود. امام در تلگرافی به عَلَم نوشتند:«مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ والّا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد.» پیام محکم امام در شرایط آن روز بی‌نظیر بود.قیام پانزده خرداد: اندکی پس از غائله انجمن های ایالتی‌و ولایتی، شاه برای طرحی با عنوان "انقلاب سفید" اعلام رفراندوم کرد.امام در بیانیه‌ای صریح چهار روز پیش از رفراندوم، آن را مخالف اسلام و قانون اساسی قلمداد کردند.در فروردین ۱۳۴۲ بعد از حمله مأموران به فیضیه ، امام در سخنرانی خود از سکوت بزرگان گلایه می‌کنند:«امروز سکوت، همراهی با دستگاه جبار است». روز بعد بیانیه‌ای را منتشر می‌کنند و به‌صراحت از علما می‌خواهند که تقیّه را رها کنند و می‌افزایند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام»در شرایطی که ساواک از سخنرانان برای عدم تعرّض به شاه و اسرائیل تعهّد گرفته بود، امام در عاشورای سال ۱۳۴۲ در سخنرانی خود به شدّت به شاه و دخالت‌های اسرائیل انتقاد کردند.

همان شب امام دستگیر شدندو از
قم به تهران اعزام شدند. با قیام مردم تهران و ورامین و
فشار علما، حکومت مجبور به آزادی ایشان شد.

اعتراض به کاپیتولاسیون و تبعید به ترکیه: مهرماه سال ۱۳۴۳ لایحه کاپیتولاسیون در مجلس تصویب شد. خبر که به امام رسید، پیام هشدار آمیز صادر کردند. امام در ۱۳ آبان ماه باچند روز تأخیر به دلیل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دستگیر و به ترکیه تبعید شدند. اقامت امام خمینی در ترکیه یازده ماه به درازا کشید.

سال‌های نجف: امام و فرزندشان مهرماه سال ۱۳۴۴ به نجف تبعید شدند. حکومت در نظر داشت امام در حوزه نجف و در فضای دور از سیاست آن منزوی شود. درحالی‌که امام در طول اقامت در نجف هرروز سه ساعت به زیارت و عبادت در حرم می پرداختند. اما پیگیری فعالیت‌های نهضت هم با وقفه روبرو نشد. امام چهار روز پس از ورود به نجف، در دیدار با آیت‌الله سیدمحسن حکیم، وی رابه‌قیام فراخواندند. فروردین سال ۱۳۴۶ دراعتراض به لوایحی‌که قوانین ضداسلامی داشت، به هویدا نامه‌ای با لحن تندنوشتند.

اوج گرفتن نهضت: اول آبان سال ۱۳۵۶ خبر درگذشت سید مصطفی، فرزند امام، بدون سابقه بیماری موجب حیرت شد. دکتر گفته بود که وی را مسموم کرده‌اند، امام اجازه کالبدشکافی ندادند و در پیامی شرایط کشور را مصیبت بارتر دانستند. لحن پیام امام، شاه را به خشم آورد و دستور داد در مقاله روزنامه اطلاعات به امام حمله کنند. مردم در اعتراض به جسارت به امام، در قم قیام کردند که با سرکوب مواجه شد. شهرهای ایران در چهلم شهدای شهرهای پیشین ملتهب می‌شد و امام برای هرکدام از این اتفاقات پیام می‌دادند.

انقلاب: با اوج گرفتن فعالیت‌های امام، مأموران حکومت عراق خانه امام را محاصره کردند و رفت‌وآمد به آن را قطع کردند. با افزوده شدن فشارها، تصمیم گرفتند که به سوریه‌بروند. امکانش فراهم نشد، به پاریس رفتند و در پاریس به مصاحبه با رسانه های گروهی و تبیین دلائل و برنامه‌های انقلاب‌اسلامی پرداختند. امام پس از سال‌ها دوری از وطن، سرانجام ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ وارد ایران شدندودر ۱۵ بهمن‌ماه بازرگان، را نخست وزیر دولت موقّت و مأمور تشکیل کابینه‌کردند. ایشان با صدوراطلاعیه‌ای‌درمورد حکومت نظامی ۲۱ بهمن، آن را خدعه‌خواندند و از مردم خواستند که به آن اعتنا نکنند.

ایـن اقـدام ، باعـث بـه ثمـر نشسـتن
نـهـضـت و پیـروزی انقلاباسلامـی شد. ۱۰اسـفندماه، از
تهـران بـه قـم رفتنـد تـا در آنجـا مسـتقر شـوند مـردم تـا کیلومترهـا بـه
اسـتقبال آمـده بودنـد. از همـان ابتـدا بـر برگزاری‌رفرانـدوم اصـرار کردنـد تـا نهایتـاً در
۱۰ فرودیـن سـال ۱۳۵۸مـردم در آرایی‌قاطـع به‌جمهوری‌اسلامـی آری‌گفتنـد. در ۲۹ دی
مـاه،وصیـت‌نـامه‌جدیدشان را نوشـتند و آقایـان منتظـری و پسـندیده را وصـی خودشـان
قراردادنـد. چنـد روز بـعـد بـه دلیـل عارضـه قلبـی بـه بیمارسـتانی در تـهران منتقل شـدند. نظر
پزشـکان بـه جراحـی بـود، امـام‌مخالفت کردنـد و قبـول کردنـد کـه داروهـا را منظـم اسـتفاده
کننـد. پـس از دو مـاه، امـام بهبـود پیـدا کردنـد و پزشـکان صـلاح نـدیدند کـه دوبـاره در قم
اقامـت کننـد و تأکیـد نمودنـد کـه در اطـراف بیمارسـتان قلـب منزلـي بـراي امـام گرفته شـود و
علاوه بـر آن بـه تـشـخیص پزشـکان الزامـاً مي‌بایسـت در شـمال تهـران کـه از هـواي مناسـب
برخـوردار اسـت سـکـونـت داشـته باشـند.درفروردین سـال ۱۳۶۵ قلـب امـام بـرای لحظاتـی
ایسـتاد، تلاش پزشـکان ممکـن بـود کـه بـه نتیجـه نرسـد امـا ناگهـان قـلـب در آخرین‌شـوک
بـازگشت ، در ۲۸ اردیبـهـشت سـال ۱۳۶۸ پزشکان وجـود سـرطان‌معده را تأیید کـردنـد. در
دوم خـردادمـاه امـام تـحـت عمـل جراحی قرار گرفتنـد و نهایتاً پـس از حدود ۱۰ سـال رهبری
انقلاب اسلامی، شبانگاه سیزدهم خرداد روح امام برای همیشه آرام گرفت.

فراست و هوشیاری در مبارزه بـا دو لایحه:

هـدف شـاه از مسـأله انجمن‌هـای ایـالتـی و ولایتـی ایـن بـود کـه با ایجـاد تغییـر در قـانـون،
«اسلام» را از «رسـمیّت» بینـدازد و آن را در ردیـف دیگـر ادیـان قـرار دهـد. عـلاوه بـر آن سـوگند
یاد کردن به «قرآن» را با سـوگند یـاد کـردن بـه هـر کـتاب آسـمانی دیگر مسـاوی می‌کردند.
اشـخـاص معمـولی و سـاده هـم متوجّـه آن نمی‌شـدند. امـا امـام باکیاسـت، فراسـت و
هوشـمندی خود، ایـن طـرح را، نطفـه و نقطـه آغـاز یـک توطئـه عـظیـم و خبیـث بر ضـد اسلام
می‌دانسـت. امـام بـا تصـویب این لایحه ضـد اسلامـی، خطرهـای بـزرگ‌تـری را بـرای اسلام و
مسـلمین پیش‌بـینی می‌کـرد؛ بـه همیـن دلیـل، امـام مبارزاتـی در جـهـت عقـب رانـدن دولت و
لغو آن «لایحه» به عمل آورد که مدت‌ها طول کشید تا ثمر بخشید.

امام علی علیه السلام: رُبَّ عَزیزٍ اَذَلَّهُ خُلْقُهُ وَ ذَلیلٍ اَعَزَّهُ خُلْقُهُ؛
چه بسا عزیزی که اخلاق بدش او را ذلیل و چه بسا ذلیلی که اخلاق خوبش او را عزیز کرد.

دولت در پی این عقب‌نشینی، دو ماه
پس از توطئه مذکور، برای مبارزه با اسلام
وروحانیت، موضوع «لوایح شش‌گانه» و به‌اصطلاح انقلاب سفید را در
دی‌ماه سال ۱۳۴۱ مطرح کرد. و مواد شش‌گانه آن را به رفراندوم گذاشت.
حضرت امام خمینی (قدس سره) با فراست و هوشمندی خود، از ابتدا ریشه هر
فتنه و فسادی را که واقع‌شده بود، شخص شاه می‌دانستند.

شجاعت و شهامت در مبارزات: وقتی‌که شاه بر ضد مقدسات به پا خاست و لشکر هم آراست، حضرت امام با صدور اعلامیه‌ای در سال ۱۳ فروردین‌ماه سال ۱۳۴۲، به‌طور رسمی در برابر دستگاه استبدادی سلطنت ایستاد و مبارزه‌ای مستقیم برضد شاه و دستگاه سلطنت آغاز کرد. این کار امام در آن زمان، امر بسیار خطرناکی تلقی می‌شد. در آن زمان کسی جرات نداشت تا اعلامیه‌ای در اعتراض از شاه صادر کند. در آن زمان شاه را با تشریفات و القاب خاص و ادبیات ویژه و الحان خوش مورد خطاب قرار می‌دادند. در این حال بود که حضرت امام، شاه را در این اعلامیه امالخبائث وصف نموده و به‌طور رسمی شاه را طرف خطاب، عتاب و تخطئه خود قراردادند.

ازاین‌پس دولتی‌ها برای جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی امام، درس ایشان را که در مسجد آیت‌الله بروجردی برگزار می‌شد، تعطیل کردند. از این به بعد منزل امام محلی برای تدریس، نماز جماعت، مرثیه عزاداری و مأمنی برای مخالفان دستگاه شاه و مرکزی برای فعالیت‌ها و مبارزه‌های سیاسی شده بود.

نصیحت و اخطار به شاه

امام بعد از سپری نمودن این مرحله از فعالیت سیاسی خود، در ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ در فیضیه قم سخنرانی معروفی را در محکومیت دستگاه سلطنت و جنایات وحشیانه در فیضیه قم، ایراد کردند. حضرت امام با شجاعت تمام، شاه و دستگاه دولتی او را همانند خلافت سفاک بنی امیه و یزید بن معاویه تشبیه کردند که به صغیر و کبیر این ملت رحم و مروتی ندارند. ایشان در نصیحتی به شاه، او را اغفال‌شده به دست دشمنان اجنبی، فریب‌خورده بهائیت و بازی‌خورده یهود و اسرائیل دانستند و در نصیحتی شاه را «آقای شاه» و «جناب شاه» و در اخطاری او را «بدبخت» و «بیچاره» خطاب نمودند.

امام علی علیه السلام: اَلنُّصْحُ بَیْنَ الْمَلاَ تَقْرِیعٌ؛
نصیحت کردن در حضور دیگران، خُرد کردن شخصیت است.

این در حالی بود که تلگراف‌هایی
راکه به خود شاه مخابره می‌شد، با تشریفات، القاب
خاص، ادبیات ویژه والحان خوش، مانند «ذات همایونی» نام می
بردند. ثمره این سخنرانی، دستگیری شبانه امام به دستور دولتی‌های شاه
اتفاق افتاد و امام را به تهران و نتیجه آن در پی اعتراضات مردمی، قیام خونین ۱۵
خرداد واقع شد. امام بعد از مدتی آزادشده و به قم بازگشتند.

مبارزه با کاپیتولاسیون: امام بعد از بازگشت به قم، به سخنرانی‌های مهم خود ادامه می‌دادند تا اینکه جریان «کاپیتولاسیون» پیش آمد. این جریان، پیمانی بین دولت و مردم ایران و مستشاران نظامی آمریکایی بود که "پیمان وین" نام داشت. در این پیمان الحاق کرده بودند که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندهای فنی شان، با کارمندان اداری‌شان، باخدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آن‌ها دارد، این‌ها از هر جنایتی که در ایران بکنند ، مصون هستند! حضرت امام در سخنرانی آبان ماه سال ۱۳۴، علیه‌کاپیتولاسیون سخنرانی کردند. حضرت امام با نگاه هوشیارانه، این قانون ننگین را این‌گونه تحلیل نمودند: «در این پیمان‌نامه اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شمارا در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آنجا در امریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند!»

دوران تبعید در ترکیه: براین اساس دولت تصمیم گرفت مجدداً امام را دستگیر و ایشان را به ترکیه تبعید کند. امام در تبعید با نامه‌نگاری‌های خود، به فعالیت سیاسی و مبارزه با رژیم ادامه می‌دادند. هدف امام از این نامه‌نگاری‌ها این بود که ارتباط خود را با داخل کشور حفظ کند و رهبری نهضت را ادامه دهد و اوضاع تبعیدگاه را علیرغم فشار و محدودیت، خوب توصیف کند تا تزلزلی در روحیهی خانواده و مبارزان به وجود نیاید و آن ها برای آزادی ایشان به رژیم متوسل نشوند. امام دوران حضور در ترکیه، در نامههای خود خواستار کتابهایی چون مکاسب میشد.قصد داشت با نوشتن حواشی بر کتب فقهی، احکام عبادی اسلام را در کنار مسائل سیاسی بیان کند و به ابعاد سیاسی اسلام بپردازد.

امام علی علیه السلام: إذا کانَ فی رَجُلٍ خَلَّةٌ رائِقَةٌ فَانتَظِروا اَخَواتِها؛
اگر در وجود کسی خصلتی پسندیده باشد، انتظار خصلت های پسندیده دیگری رانیز
در او داشته باشید.

دوران تبعید در عراق

پس از مخالفت‌های زیادی که در داخل و خارج کشور و حتی اعتراض‌هایی که در سازمان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل با تبعید امام در ترکیه شد، دولت ایران و ترکیه نسبت به این اقدام بیمناک شده و سرانجام دولت ایران ، امام را در روز ۱۳ مهرماه سال ۱۳۴۴ به کشور عراق تبعید کرد. امام در عراق هم‌دست از مبارزات سیاسی خود علیه طاغوت برنداشتند. نمونه‌هایی از مبارزات سیاسی امام در عراق عبارت‌اند از: **الف.** رساندن اعلامیه‌ها و رهنمودها به ملت ایران توسط انقلابیون. **ب.** ایجاد شبکه گسترده برای ارتباط با ملت ایران که تمام طول و عرض کشور را پوشش می‌داد. **ج.** آگاهی از رویدادهای ایران. **د.** تجدید ارتباط و تماس با هوادارانش.

و. تدریس فقه حکومت اسلامی یا ولایت‌فقیه. **ی.** فعالیت‌های خصمانه علیه صدام بعد از معاهده الجزایر بین دولت ایران و عراق و...

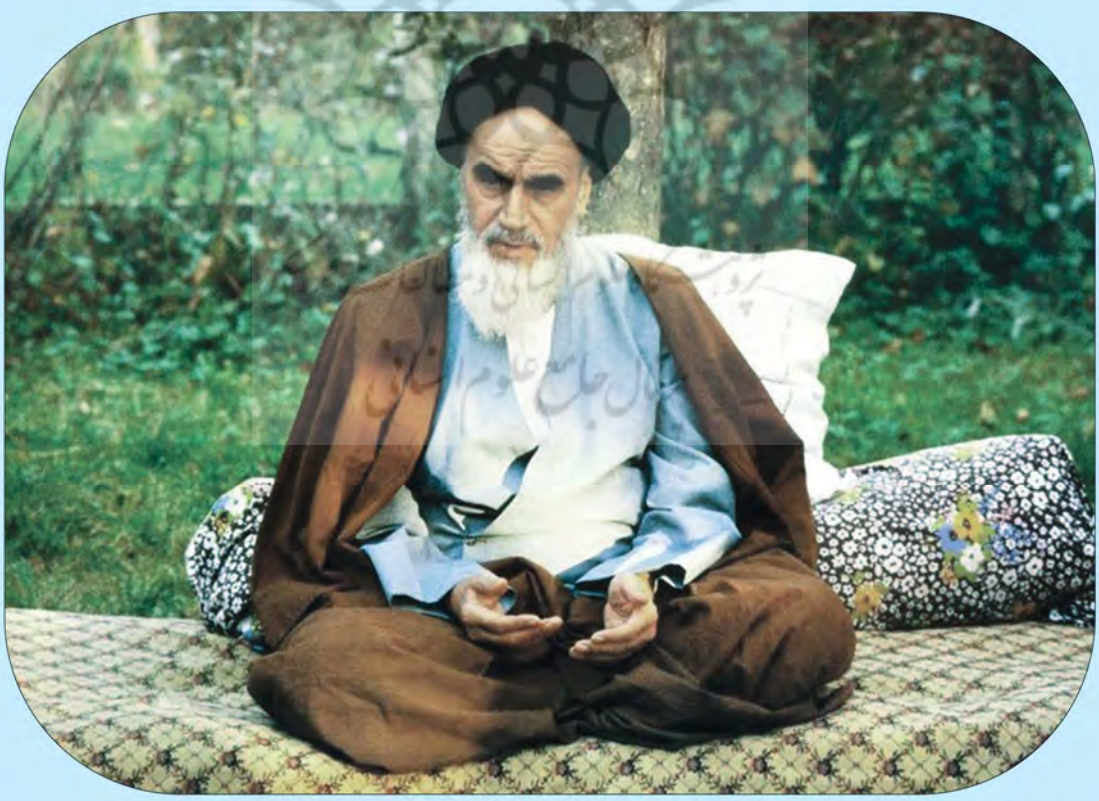

سیدمحمد حسینی پور

طلبه پایه ششم

بُعد عرفانی و اخلاقی

محمد عرفان دهقان منشادی

آقا همیشه توصیه می‌کردند که مواظب باشیم مرتکب معصیت نشویم.بخصوص در مورد غیبت معتقد بودند خانم‌ها وقتی دورهم جمع می‌شوند از خودشان صحبت کنند نه از دیگران . امام بارها می‌گفتند :حتی به شوخی دروغ نگوییم.

الف: پرهیز از القاب

امام در تعبیراتش می‌گوید:من یک طلبه‌ام.کسی که تمام عرش‌ها و قدرت‌ها و سلطنت ها را می‌لرزاند .می‌گوید :من یک طلبه‌ام. وقتی " تحریر الوسیله" حضرت امام در نجف اشرف چاپ شد ، مطابق رسوم نجف پشت جلد لقب‌هایی از قبیل آیت‌الله‌العظمی زعیم الحوزات العلمیه و... نوشته‌شده بود. این کار تازه‌ای نبود و کسی هم در این کار تقصیری نداشت. متصدیان کار و چاپ خانه همان‌طور که برای دیگر مراجع تقلید عمل می‌کردند،در مورد این کتاب نیز انجام داده بودند. وقتی حضرت امام متوجه شدند که پشت جلد تحریر الوسیله این لقب‌ها ذکرشده است ،باکمال قاطعیت از توزیع کتاب جلوگیری کردند و دستور دادند که لقب‌ها برداشته شود. بالاخره دست‌اندرکاران مجبور شدند که چیزی از چاپخانه تهیه کنند و روی این لقب‌ها بزنند به‌طوری‌که هیچ‌کدام از آن‌ها قابل‌خواندن‌نباشند.

ب : وقت‌شناسی در نماز

دقت امام در رابطه با وقت نماز و حق نماز آن‌قدر چشم‌گیر بود که پلیس‌های فرانسه از روی رفت‌وآمد امام برای نماز، ساعتشان را میزان می‌کردند؛ شاید این دقت روی وقت نماز اکثر مردم قابل‌درک نباشد ولی وقتی انسان به این درجه، یعنی به نظاره‌گری در آسمان و زمین می‌رسد، این امر برایش طبیعی است. وقتی می‌ایستادند به نماز، حس می‌کردیم که تمام وجودشان نماز می‌خواند. همیشه وقتی‌که چند نفر از برادرها برای حفاظت می‌ایستادند امام می‌فرمودند احتیاجی نیست در ساعت نماز باید نماز خواند.

امام حسین (ع): لا یأمن یوم القیامه إلا من خاف الله فی الدنیا.
هیچ کس روز قیامت در امان نیست ، مگر آن که در دنیا خدا ترس باشد.

ج: خدامحور

روزی بـه مناسـبتی خواسـتم کـه برایـم دعـا کننـد. امـام در جـواب گفتنـد کـه مـن هرچنـد سـاعت یک‌بـار بـه شـخص شـما دعـا می کنـم. بـا تعجـب پرسـیدم : شـنیدن این مطلـب برایـم خیلی خوشـحال‌کننده اسـت، ولـی چـرا هرچنـد سـاعت یک‌بـار. خندیدنـد و گفتنـد: هـر بـار کـه از قفسـه داروهـا دارو برمـی‌دارم بـه یـاد شـما می‌افتـم. در پاسـخ گفتـم آقـا دل مـا بـه دعـای شـما خـوش اسـت؛ ایشـان سـکوت کردنـد و اندکـی قیافه‌شـان در هـم رفـت و بعـد بـا لحنـی پدرانـه و مهربـان و درعین‌حـال آمرانـه گفتنـد: سـعی کنیـد فقـط دلتـان بـه خـدا خـوش باشـد نـه بنـده خـدا. ایـن نکتـه خیلـی آموزنـده اسـت. امـام حتـی در مقـام تعـارف هم حاضـر نبودنـد سـخنی غیرتوحیدی بشـنوند و در همـه حـال بـه خـدا توجـه داشـتند و بـه همیـن دلیـل در هیچ‌یـک از مصیبت‌هـا و مشـکل‌ها لحظـه‌ای خـود را نباخته‌انـد و تردیـد بـه خـود راه نداده‌انـد. به‌عنوان‌مثـال وقتی‌کـه موضـوع محاصـره اقتصـادی ایـران از سـوی ابرقدرت‌هـا مطـرح بـود امـام فرمودنـد: گرچـه مـا را محاصره اقتصادی کرده‌اند اما ما خدا راداریم.

هـ: ارادت به ساحت ولایت

در طـول پانـزده سـال اقامـت در جـوار بـارگاه ملکوتـی مولی‌الموحدیـن امیـر المومنیـن (علیـه السـلام) امـام خمینـی هـر شـب بانظـم و ترتیـب خاصـی بـه حـرم مشـرف می‌شـدند. درسـت هنگامی‌کـه سـاعت بـزرگ سـر در صحـن امیـر المومنیـن (علیه‌السـلام) سـه سـاعت از مغـرب گذشـته را نشـان مـی‌داد. امـام قـدم بـه صحـن مطهـر می‌گذاشـتند.وقتی بعضـی از بیـوت مراجع بـه امـام پیغـام داده بودنـد کـه شـما مرجـع هسـتید، مـدرس حـوزه می‌باشـید مناسـب نیسـت ماننـد یـک زائـر هـر شـب بـه حـرم مطهـر مشـرف شـوید؛ امـام از ایـن پیغـام برآشـفتندوفریاد زدند چرا من از این خرمن علم و تقوا بهره‌برداری نکنم؟!

د: می‌ترسیدم برای غیر خدا گریه کنم

در شـب شـهادت مرحـوم حاج‌آقـا مصطفـی ، در مسـجد هنـدی نجف، مجلـس فاتحه گذاشـته بودنـد و آقـای سـید جـواد شـبر منبـر رفتنـد .ایشـان نقـل می‌کردنـد: در ایـن مجلـس کـه امـام هـم در آن شـرکت کـرده بودنـد روضـه حضـرت علی‌اکبـر علیه‌السـلام را خوانـده و هفـت بـار هـم در منبـر بـه ایـن روضـه اشـاره و گریـز هایـی زده بودند، امـا امام بـا نهایـت آرامـش در مجلس نشسته بودند.

ایشـان بـا گریـز هـای متعـدد مـی
خواسـت از امـام گریـه‌ای بگیـرد کـه دل ایشـان سـبک شـود
ولـی موفـق نشـد؛ بااینکـه مصیبـت بزرگـی بود]یـک عـده حـال امـام را کـه
دیدنـد گفتنـد:از بـس مصیبـت سـنگین اسـت امـام شـوکه شـده و گریه‌شـان نمی‌آید
.پـس از مجلـس خدمـت امـام کـه بـه منـزل تشـریف بـرده بودنـد، .گفتند:آقا شـما امشـب
در روضـه گریـه نکردیـد؟ ایشـان فرمودنـد. وقتـی او روضـه می‌خوانـد بـه مـن نـگاه می‌کـرد و
مـن ترسـیدم اگـر گریـه کنـم بـرای غیـر خـدا باشـد یعنـی گریـه‌ام بابـت مصیبـت فرزنـدم باشـد
نه برای رضایت خدا!!!

ن: توسل و زیارت روزانه

کمتـر کسـی را دیده‌ایـم کـه اسـلام را بـا تمـام ابعـاد آن دریافـت و بـه کار بسـته باشـد امـا حضرت
امـام ایـن ویژگـی را داشـتند کـه در همـان شـرایطی کـه در سیاسـت در حـد اعـلای مهـارت و
تخصـص از مسـائل عبـادی نیـز غافـل ایشـان در مسـائل عبـادی به‌انـدازه‌ای دقیـق و پرتـلاش
کـه کمتـر ریاضت‌کـش عرفـان مثـل کـی این‌گونـه بـه یـاد دارم کـه بـدون بالـه کودتایـی کـه در
عـراق رخ‌داده بـود مقـررات حکومت‌نظامـی در سراسـر کشـور وضع‌شـده بـود روزی بـرادر
شـهید مرحـوم حاج‌آقـا مصطفـی می‌گفتنـد دیدیـم آقـا تـوی اتـاق نیسـتند گفتیـم نکنـد آقـا رفته
باشـند حـرم یعنـی کجـا رفتنـد این‌طـرف را بگـرد آن‌طـرف را بگـرد بالاخـره دیدیـم کـه رفته‌انـد
بـالای بـام و چنـان ایسـتاده‌اند کـه گنبـد حـرم معلـوم باشـد و دارنـد به‌طـرف حـرم زیارت‌نامـه
می‌خوانند.

و: روبه‌قبله بودن

امـــام هـــر وقـــت وضـــو مـــی‌گـرفـتند، تمام جزئیات وضـو را روبه‌قبلـه انجـام می‌دادند
حتـی اگـر وضوخانـه روبه‌قبلـه نبـود در هـر مـورد پس‌ازاینکـه یک‌کف‌دسـت آب بر می‌داشـتند
شـیر را می‌بسـتند و روبه‌قبلـه آن را به‌صـورت یـا بـه دسـت می‌زدنـد . امـام تکیـه زیـادی بـر
اسـرار الصـلاة می‌کردنـد ؛ یـاد دارم کـه بخصـوص بـه کتـاب آداب الصـلاة مرحـوم شـهید ثانـی
توجـه زیـادی داشـتند و می‌فرمودنـد بهتـر اسـت کـه بگویـم اسـرار الصـلاة. امـام از ابتـدای وضو
گرفتـن یعنـی هنگامی‌کـه انسـان می‌خواهـد بـرای وضـو گرفتـن به‌طـرف آب بـرود، تـا پایـان
نمـاز بـر معنویـات نمـاز توجـه داشـتند ایـن حدیـث را فکـر می‌کنـم از مصبـاح الشـریعة باشـد
بارهـا می‌گفتنـد کـه یکـی از ائمـه معصومیـن می‌فرمایـد موقعـی کـه بـرای وضـو گرفتـن بـه
سـوی آب مـی‌روی ، درواقـع به‌سـوی رحمـت خـدا مـی‌روی. امـام روی ایـن جملـه خیلـی
تأکیدداشتند.

ل: عبودیت در تمام ابعاد زندگی امام

اگر کسی بخواهد شخصیت امام را بررسی کند، درخواهد یافت که جوهر شخصیت ایشان، «عبودیت» بود. همه چیزهای دیگر در شعاع عبودیت خدا جلوه می‌کرد؛ یعنی جلوه‌هایی از بندگی و شرایطی برای ظهور این نور بود. پس از آن‌که امام این حقایق را به‌طور کامل در حدی که برای یک انسان عادی و غیر معصوم میسّر است ـ به دست آورد، به تربیت دیگران پرداخت؛ البته بازهم عبودیت خدا بود که در اینجا جلوه‌گر می‌شد. بیان این معانی را در تفسیر سوره «حمد» و «علق» او ببینید تا دریابید که «اِقرأ» او هم، به اسم ربّ بود. شاگردان فراوانی را در طول تدریسش پرورش داد که توانستند پیام او را که همان پیغام پیغمبران و روح اسلام است، در جامعه منتشر کنند.

ی: احترام فوق‌العاده به کودکان

حضرت امام، بچه‌های خردسال را خیلی دوست می‌داشتند. آن پدر به بچه‌های کوچک علاقه‌مند بودند که می‌گفتند در نجف از حرم که برمی‌گشتم بچه‌ها را باوجوداینکه کثیف بودند خیلی دوست بچه‌ها تا جلوی منزل دنبال آقا نوه‌های آقا همه شلوغ بودن امام به دختر من که از شیطنت بچه خود گله می‌کرد می‌گفتند من حاضرم ثوابی را که تو از تحمل شیطان‌اند حسین می‌بری با ثواب تمام عبادات خودم عوض کنم عقیده داشتند که بچه باید آزاد باشد تا وقتی‌که بزرگ می شود و آن‌وقت برای شهدی تعیین کند در مورد تربیت کودکان می‌گفتند با بچه‌ها روراست باشید تا آن‌ها هم روراست باشند. الگوی بچه، پدر و مادر هستند. اگر با بچه درست رفتار کردید، بچه‌ها درست بار می‌آیند. هر حرفی را که به بچه‌ها زدید به آن عمل کنید. تربیت فرزند از مرد برنمی‌آید. امام نقش مادر را در خانه خیلی تعیین‌کننده می‌دانستند و به تربیت بچه‌ها خیلی اهمیت می‌دادند. گاهی که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم پس زن ها باید همیشه در خانه بمانند می‌گفتند شما خانه را کم نگیرید تربیت بچه کم نیست اگر کسی بتواند یک نفر را تربیت کند، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. ایشان معتقد بودند که تربیت فرزند از مرد برنمی‌آید؛ این کار دقیقاً به زن بستگی دارد چون عاطفه زن بیشتر است و قوام خانواده هم باید بر اساس محبت و عاطفه باشد.

محمدعرفان دهقان منشادی

طلبه پایه دوم

بُعد مدیریت و رهبری

سیدعلیرضا فاطمی نسب

الف: رهبر ایدئولوژی

به آن معنی که این رهبر است که ایدئولوژی جامعه خود را طرح‌ریزی می نماید؛ و یا اینکه نوع کاربردی آن را با توجّه به اعتقادات خود و پیروانش ارائه می دهد.

ب: رهبر خبره و متخصص

علت پذیرفته شدن یک شخص به‌عنوان رهبر در مواردی،ناشی از این امر است که افراد گروه به علت نیازی که در خود احساس می‌کنند حقیقتاً باور دارند که شخص موردنظرشان برای رهبری، از بالاترین دانش و مهارت لازم در رابطه با اهم زمینه‌های موردعلاقه و نیاز گروه برخوردار می باشد. بدیهی است در چنین مواردی وظیفه و نقش اصلی چنین رهبری ارائه نظریات تخصصی و کارشناسی با توجّه به اعلام نیاز گروه می باشد. البتّه باید اذعان داشت که چنین برداشتی توسط افراد گروه (رهبر دانشمندترین و متخصص‌ترین شخص گروه است) بسیار به‌ندرت ممکن است واقعاً مصداق داشته باشد. سه:رهبر مجری : منظور از یک رهبر مجری، توانایی دخالت مستقیم او در امور اجرایی و یا ابلاغ فرامینش به سطوح ردهٔ بالای مدیریت جامعه می‌باشد. چهار:رهبر سیاست‌گذار :منظور از سیاست‌گذاری یک رهبر، اهتمام او در تعیین راهبردهای اجرایی اصلی برای جامعهٔ تحت رهبری خود می‌باشد. بدیهی است این نوع از سیاست‌گذاری همواره جنبه کلان.

ج: روح‌الله و روح اسلام

این مرد، پس از آن‌که اسلام را آن‌چنان‌که باید، شناخت و در این زمینه در حد ممکن کوتاهی و سستی نداشت، ازنظر مطالعه و تفکر، کارهای فراتر از امور مادّی، مسائلی که مربوط به سیر و سلوک عرفانی و ریاضت‌های شرعی، خلوت‌ها، مناجات‌ها، سحرخیزی ها، ناله‌های نیمه‌شب انجام داد. او اسلام را در تمام ابعادش، به‌صورت یک مکتب جامع و همه‌سونگر شناخت؛ آنگاه آن را در جامعه به کاربست؛ البته در کنار این امور، از تجارب سیاستمداران بزرگ اسلام و مکتوبات اهل سیاست که تفصیلش گذشت، استفاده کرد و راهروان را راهبری کرد.

د: توکل به خدا در رهبری جامعه

افزون بر این مسائل، بُعد دیگری که امام را از دیگر رهبران اجتماعی ممتاز می‌کرد؛ «اعتقاد» ایشان به حقایق و معارف دینی بود. او اقیانوس آرامی بود؛ وقتی بر ساحلش نشسته بودی، متوجّه موج نگاه‌های عمیقش می‌شدی. یک دنیا وقار، سنگینی، اُبهت و عظمت همراه با سکوت، سکون و آرامش بود. او، جهانی بود بنشسته در گوشه‌ای. حرکت و سکون، سخن و سکوت و قیام و قعودش، برای رضای خدا و ادای تکلیف بود و بس. یکی از کارهای او، همین حرکت معجزه‌آسایی بود که در ایران به وجود آورد و کشوری را که در دام استعمارگران افتاده بود و در حال سقوط به اعماق جهنم بود با توکل به خدا و از نیروی خدادادی ـ از منجلاب فساد، بیرون کشید و نجات داد؛ کشوری اسلامی ساخت که باوجود همه کاستی هایی که هست نظیر آن را در عالم نمی‌توان یافت؛ زیرا که رهبری چون راهبر این جامعه، کسی در جهان ندارد. آنچه برای ما مهم است که بیشتر درباره آن بیندیشیم این است که امام خمینی ثابت کرد که اگر کسی اسلام را درست درک کند و راست قامت بایستد و کمر همت ببندد، می‌تواند با تمام نیروهای بشری مبارزه کند، پیروز شود و پیروز هم خواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، به دو شرط می‌توان با تمام نیروهای بشری مبارزه کرد و پیروز شد؛ یکی، شناخت صحیح از اسلام و دیگری، اراده راسخ بر عمل کردن به اسلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

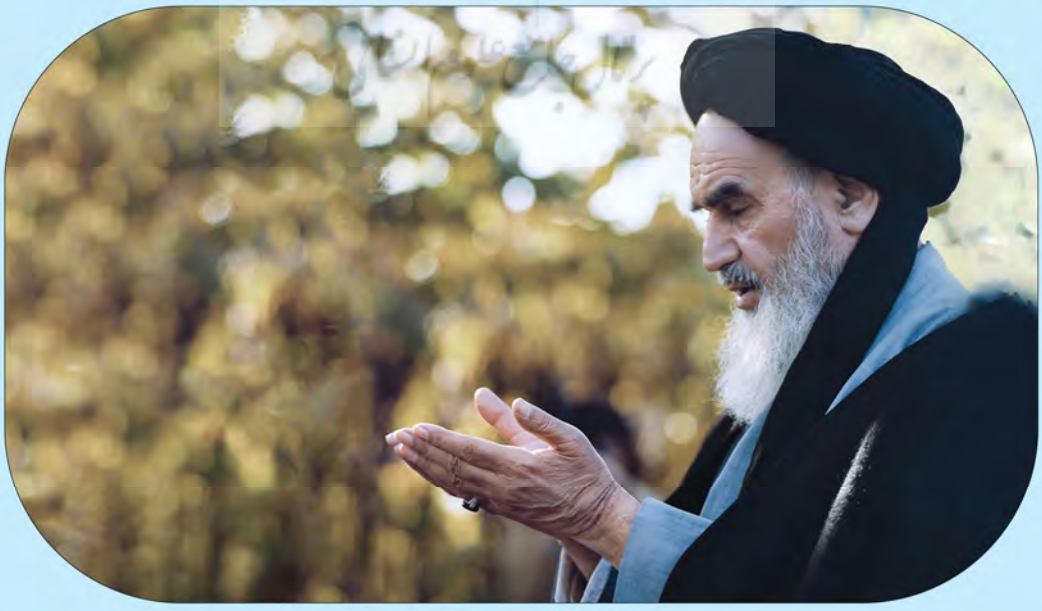

سیدعلیرضا فاطمی‌نسب
طلبه پایه چهارم

اهداف و آرمان‌ها

امیر محمد عسکری کهدوئی

الف) تشکیل حکومت اسلامی

پس از این‌که ایشان موقعیت کشورهای اسلامی و به‌طورکلی موقعیت اسلام را در جهان بررسی کرد، نخستین هدفی که در نظر گرفت، این بود که یک «حکومت اسلامی» تشکیل دهد؛ چون بدون تشکیل حکومت اسلامی، امیدی برای «اسلامی شدن قوانین» یک کشور وجود نداشت؛ زیرا برای آن‌که کشور، چهره اسلامی پیدا کند و اهداف اسلام در آن عملی شود، نیازمند تشکیل یک نظام اسلامی بود. به این جهت، امام از همان دوران جوانی و میان‌سالی ــ آن‌گونه که از برخی نوشته‌های ایشان به دست می آید ــ در همین اندیشه بود که «حکومت اسلامی» را در ایران برقرار کند؛ به‌ویژه از حدود شهریور ۱۳۲۰ که ایشان توجّه بیشتری به این مسئله پیدا کرد و این آرمان، در ذهن شریف وی به‌صورت جدی‌تری مطرح شد. پس می‌توانیم بگوییم که نخستین و مهم ترین هدف امام، «برقراری نظام اسلامی» بود که تقریباً یک «ربع قرن» برای تشکیل این حکومت و تحکیم مواضع آن ــ قبل و بعد از پیروزی انقلاب ــ کوشید. او بارها بر این مطلب تأکید کرد که مهم‌ترین واجبات برای هر مسلمانی، حفظ نظام اسلامی است؛ هرچند که ممکن است در این نظام، کمبودها و نارسایی‌هایی [ازنظر نظام یا کارگزاران]هم وجود داشته باشد؛ با این وصف نیز حفظ اساس این نظام، واجب‌ترین وظیفه یک مسلمان است که بر عهده او گذاشته‌شده است. او با عبارت‌های مختلف و در مواقع گوناگون، بر این امر تأکید فرمود. به بیان یک نمونه آن سخنان فصل‌الخطاب اکتفا می کنیم. ایشان در این زمینه فرمود: مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با این وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود... از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز با آن مزاحمت نمی‌کند. این هدف را از رفتارهای امام، به‌ویژه از رفتارهای اجتماعی و از مبارزات ایشان می‌توان به دست آورد و می‌توان آن را نخستین هدف وی به تلقّی کرد.

امام جعفر صادق علیه السلام: جعل الخير كله في بيت و جعل مفتاحه الزهد في الدنيا
همه خیر در خانه ای نهاده شده و کلیدش را زهد و بی رغبتی به دنیا قرار داده اند .

ب)حمایت از محرومان و قشر آسیب‌پذیر

یکی دیگری از اهداف امام، «حمایت از محرومان و مظلومان»؛ و به تعبیر خود امام، حمایت از «پابرهنگان» بود. این معنا و مبنا، چیزی بود که از متن اسلام و از سیره پیشوایان معصوم اسلامی؛ به‌ویژه از رفتار امیر مؤمنان(علیه السلام) در زمان حکومتشان الهام گرفته بود. در هر فرصتی که پیش می‌آمد ــ در سخنرانی‌ها، پیام‌ها، وصیت‌نامه و... ــ بر این مسئله تأکید داشت که ما در دوران حاکمیت نظام اسلامی، باید حافظ و حامی منافع محرومان و قشرهای آسیب‌پذیر باشیم.

ج)حفظ وحدت میان اقشار جامعه ایران

یکی دیگر از اهداف امام که همه با آن آشنا هستیم، «حفظ وحدت» بین قشرهای مختلف جامعه بود. شاید کمتر صحبت و پیامی از امام باشد که بر مسئله وحدت و اتحاد مردم تأکید نکرده باشد. امام از یکسو، وحدت مردم را به‌عنوان «رمز پیروزی انقلاب اسلامی» معرفی می‌کرد و از سوی دیگر، حفظ این وحدت را یک وظیفه بزرگ ـ بعد از پیروزی انقلاب ــ برای مسلمان‌ها می‌دانست و عقیده داشت که باید در مقابل تلاش‌هایی که سران کفر و استکبار جهانی ــ برای نابودی اسلام می‌کنند ـ ایستاد و با آنان مبارزه کرد. دشمنان جمهوری اسلامی ایران، تنها راه برای از بین بردن و محو کردن این نظام را ایجاد اختلاف بین مردم می‌دانند؛ به‌ویژه اختلاف میان مسئولان. امام، این را راه ورود و نفوذ دشمن برای رخنه در ارکان نظام اسلامی ایران می‌دید. این بود که سعی باصفا و کوشش بسیاری می‌کرد، برای این‌که مردم ــ باید ــ وحدتشان را حفظ کنند. خود ایشان در مسیر اتحاد، از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کردند.

د)ایجاد روح همبستگی و اتحاد میان مسلمانان جهان

چهارمین هدف و آرمان امام خمینی(قدس سره)، «ایجاد اتحاد و هماهنگی بین مسلمانان جهان» بود. محور مختص هدف قبلی، وحدت بین قشرهای مختلف بود. این را می‌توان به‌عنوان هدفی دیگر یا متمم همان هدف قبلی ذکر کرد؛ امام افزون بر آن‌که روی «وحدت قشرهای جامعه ایرانی» تکیه و تأکید داشت؛ برای «اتحاد همه مسلمانان جهان» نیز، تلاش می‌کرد. ایشان آن را یک «آرمان مقدس» برای خود تلقی و به دیگران نیز تفهیم می‌کرد.

ه)تحقیر و تضعیف استعمارگران و جهان خواران

از آرمـان دیگـر حضـرت امـام کـه به‌طـور کامـل در رفتارهـا و سـخنرانی هـای ایشـان مشـهود و روشـن بـود، «تضعیـف و تحقیـر اسـتعمارگران» و ایجـاد اعتمادبه‌نفـس در بیـن مسـلمان‌ها در برابـر آنـان بـود. همـه می‌دانیـم و می‌داننـد کـه تمـام اسـتعمارگران و مسـتکبران شـرق و غـرب اعتـراف می‌کردنـد کـه حضـرت امـام خمینی(قـدس سـره)، بزرگ‌تریـن کسـی اسـت کـه در ایـن عصـر بـا آنـان بـه مبـارزه برخاسـته و در ایـن جهـت موفـق هـم شـده اسـت. امـام نه‌تنهـا بـرای ملـت مسـلمان ایـران ایـن آرزو را داشـت، بلکـه تلاش او ایـن بـود کـه همـه ملت‌هـای جهان بیـدار شـوند و مقابـل اسـتعمارگران و سـتمگران زورگـو قیام کنند و حق خود را از حلقوم آنان بیرون بکشند.

ی)کَندن غده سرطانی (اسرائیل) از قلب جهان اسلام

از اهـداف مشـخص و روشـن امـام، «مبـارزه جـدی و بی‌امـان بـا مـزدور اسـتعمار»، یعنـی اسـرائیل غاصـب بـود. معتقـد بـود کـه اسـرائیل، یـک «غـده سـرطانی» اسـت کـه در قلـب عالم اسلام، بـه دسـت اسـتعمارگران ــ به‌ویـژه امریـکا ــ بـه وجـود آمـده اسـت و تا ایـن غده سـرطانی ریشـه‌کن نشـود، کشـورهای اسلامـی روی صلاح و پیشـرفت و تکامـل را نخواهنـد دیـد. بنابراین، ریشه‌کن کردن این دولت غاصب صهیونیستی، یکی از آرمان‌ها و اهداف مهم امام بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امیرمحمد عسکری کهدوئی

طلبه پایه ششم